

ادامه از صفحه اول

سالِ تعهد به مراقبت از فرصت‌ها

… هر شخصیت حقیقی و حقوقی که خواسته یا ناخواسته در برابر این پوست‌اندازی ضروری از خود مقاومت نشان داد، به سرعت در ورطه‌اضمحلال افتاد و با شیب تند سقوط در فراموش‌خانه تاریخ مواجه شد. همین آسیب به طریق اولی در تمام ساخت‌های مدیریتی ما نیز خود را به گسترده‌ترین شکل ممکن نشان داد و متأسفانه نشانه‌های سرنوشت محتوم شکست در بسیاری از ساختارها، به سرعت خود را برملا کرد. همین حالا، با وجود گذشت بیش از ۱۴ ماه از تولد شرایط جدید، شاهدیم که موارد متعددی از سازمان‌های بزرگ و کوچک دولتی دارنده برای حفظ حیات و حتی موضوعیت خود به سختی تقلا می‌کنند. این اتفاق نبود که در شهرداری تهران افتاد. با شروع همه‌گیری ویروس کووید ۱۹، از سازمانی با وسعت و پیچیدگی شهرداری تهران که به عارضه‌های قدیمی و موروثی ناخوشایندی مثل تعهدات نجومی برآمده از نیروی انسانی ماراد نیز مبتلاست، انتظار نمی‌رفت به شکلی شایسته مختصات دنیای مدرن با شرایط جدید روبه‌رو شود. آشنایان به تاریخ سابقه و ممکنات شهرداری تهران، به‌درستی می‌پنداشتند که نظام حکمرانی محلی پایتخت کشورمان نتواند گلیم خود را از باتلاق پرهزینه کرونا بیرون بکشد؛ اما هوشیاران و تلاش همکارانم در معاونت امور بین‌الملل و مرکز ارتباطات و رهنمودها و حمایت‌های شهردار محترم تهران، همه دست به دست هم دادند تا نگاه فرایندی جایک و به‌روزی بر همه عناصر مرتبط با امر ارتباطات بین‌المللی تسلط پیدا کند.

با همه‌گیری، ویروس کووید ۱۹ بر اغلب ابعاد، گوشه‌ها و کنج‌های حوزه ارتباطات کشور چنبره زد؛ اما در همین حین نه‌تنها مسیر تثبیت و گسترش گفت‌وگوی جهانی شهرداری تهران با جهان با‌مخاطره رویه‌ورنشد، بلکه حلالی‌ساز گذشت بیش از یک سال می‌توان ادعا کرد کارنامه ارتباطات بین‌المللی این سازمان به‌مراتب پربارتر از زمان مشابه در سال‌های گذشته است. از حضور همه‌جانبه شهرداری تهران در اجلاس جهانی WUFI۱۰ امارات متحده عربی در آستانه آغاز پاندمی تا امضای توافق‌نامه‌های متعدد با سازمان‌های بین‌المللی و همکاری تنگاتنگ با سازمان جهانی بهداشت در مسیر مقابله و پیشگیری از ابتلا به ویروس در سطح شهر تا برگزاری در ده‌ها کارگاه، همایش و گردهمایی آنلاین برای توسعه فرصت تبادل تجربه و اندیشه با همکارانمان در سرتاسر جهان و افزایش سطح تخصص و شناخت و علم کارمندان شهرداری پایتخت و از همه مهم‌تر، ارتباط و گفت‌وگوی زنده شخص شهردار تهران با ده‌ها نفر از هم‌تایانش در کلان‌شهر و شهرهای اروپایی، آمریکایی و آسیایی، مقیاس دیدارهای شهردار محترم تهران با شهرداران شهرهای مهم و تأثیرگذار جامعه جهانی برای همکاری واقع‌بینانه و تجربه‌محور و عملیاتی در مسیر مقابله با ویروس کرونا در یک سال گذشته به شکلی واضح و چشمگیر چندین پله رشد داشته و این بدون تردید یکی از مهم‌ترین دلایل چالاکي شهرداری پایتخت در مواجهه با بحران کووید ۱۹ بوده است.

بااین‌حال، ادامه این راه حالا وابسته به فاکتورهای مهمی است، تا انتخابات ریاست‌جمهوری و البته انتخابات سراسری ششمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا زمان زیادی باقی مانده و سرنوشت سیاست‌گذاری و تقنین در مهم‌ترین واحدهای مدیریت که همان حکمرانی محلی است، به شکلی اساسی با تغییر مواجه خواهد شد. در کشور ما انتخابات نهاد مردم‌سالاری و چراغ روشن یویابی و گردش مدیران است و همین ویژگی را باید حیاتی‌ترین صفت این رویداد مبارک دانست، کنشی اجتماعی که از سوی قدرتمندترین ساختارهای حاکمیتی حراست می‌شود، کلید جمهوریت ایران را در دست دارد و ضامن کامیابی کشورمان است.

با برگزاری انتخاباتی رقابتی و امن است که می‌توان به آینده ایران امیدوار بود و تازگی خون را در ورید ساختارهای مدیریتی کشور تضمین کرد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای امر انتخاباتی، این است که منتصدیان جدید بر مصدر امور هر واحد بنشینند تا با اتخاذ تصمیمات نو و البته ادامه مسیری‌های علمی و درست پیشینیان، کارکرد سازوکار حکمرمایی ساختار تابع خود را بهبود بخشند. جان‌مایه خردات حیاتی انتخابات اساسا چیزی جز این امر مورد نیست؛ ساخت فرصت‌های واقع‌بینانه و کاربردی جدید و مراقبت از فرصت‌های واقع‌بینانه و کاربردی‌ای که پیش از این به وجود آمده‌اند.

شهرداری تهران از پاییز سال ۱۳۹۷ و به‌ویژه از زمان شروع پاندمی کرونا، با وجود تلاطم‌ها، پیچیدگی‌ها و مصائب بسیاری که به واسطه دوران جدید پدیدار شده‌اند، در عرصه بین‌المللی سازوکارها و فرصت‌های نووی متعددی را به کارنامه و دورنمای عملکردی خود اضافه کرده و مراقبت از این فرصت‌ها در وهله نخست بر عهده رای‌دهندگان در انتخابات ششمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستاست که در وهله دوم، مسئولیت مدیرانی که چند ماه دیگر هدایت امور را بر عهده خواهند گرفت.

این‌مکتوب را می‌توان نامه‌ای به یادگار از یکی از خدامان مردم تهران که شهرداری پایتخت دانست به همکاران عزیز که قرار است با سنگین برقراری ارتباط میان شهرز زیبا و دوست‌داشتنی‌مان با سرتاسر جهان را بر دوش بگیرند. دیگر تمام دنیا با زبان و لحنی انسانی‌تر و بدون واسطه‌های دست‌وپایگر قدیمی با یکدیگر حرف می‌زنند و تمام ابزارها و تجارب لازم برای امتداد این ارتباط و گفت‌وگو، حالا در شهرداری تهران موجود است. موفق باشید.

اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند با معامله‌گری وارد قدرت شوند

من شرایط کشور را خیلی روشن می‌بینم



عکس: سیدنگار، شرق

محمدرضا خاتمی، نایب‌رئیس مجلس ششم و دبیرکل سابق جبهه مشارکت ایران اسلامی، جزء گزینه‌هایی بود که بسیاری از اعضای جبهه اصلاحات منتظر اعلام ورودش برای انتخابات ریاست‌جمهوری بودند؛ اگرچه این انتظار به درازا کشید و آقای دکتر عدم حضور را ترجیح داد. با او چند هفته قبل در دفتر «شرق» گفت‌وگو کردیم:

قبل از کاندیداتوری آقای تاج‌زاده، قبل از افسحای قابل آقای ظریف، قبل از قانون عجیب‌وغریب و بدون مصوبه شورای نگهبان درباره شروط کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری، قبل از زندانی شدن برادر آقای جهانگیری و البته قبل از اقتضاح تهمت و بی‌حرمتی در کلاب‌هاوس به یکی دیگر از گزینه‌های اصلاح‌طلبان؛ اتفاقاتی که هرکدام می‌توانست مسیر گفت‌وگوی ما را تغییر دهد، در همان روز هم ما آقای خاتمی شرط کرد از چرابی عدم ورودش به انتخابات نبرسیم که بسیاری از اصلاح‌طلبان از او خواسته بودند وارد گود رقابت شود و او نپذیرفته بود. پس با او از آنچه اصلاح‌طلبان می‌توانند در شرایط پیش‌رو انجام دهند، پرسیدیم، اینکه مانند‌ان در قدرت به چه بهایی باید باشد؛ و به اعتقادش مشکل اصلی در شرایط فعلی کجاست؟ آقای خاتمی مشکل اصلی در انتخابات را قهر مردم دانست و گفت: «متأسفانه اصلاح‌طلبان هرچه بخواهند مردم را به انتخابات تشویق کنند، چندان اثری ندارد؛ چون مردم می‌گویند شما چه قدرت و اختیاری دارید؟». او در صحبت‌هایش از زد معامله‌گری اصلاح‌طلبان برای ماندن در قدرت سخن گفت و توضیح داد که به هر قیمتی نباید به انتخابات بیاییم و کاندیدای ما را شورای نگهبان تعیین کند. نایب‌رئیس مجلس ششم در قسمت دیگر حرف‌های خود گفت: «من به‌عنوان بخشی که در جریان اصلاح‌طلب هستم، حفظ قدرت را بودن در حکومت نمی‌دانم، بلکه داشتن پایگاه اجتماعی می‌دانم که متأسفانه به دلایل مختلف در چند سال اخیر پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان به قوت قبلی نیست».

صندوق رای جایگاه خودش را دارد و وظیفه حاکمیت است که اجازه ندهد صندوق رای بی‌معنی شود. اما روندی که در طول انتخابات مجلس قبل صورت گرفت یا روند متأسفانه وجود ندارد.

می‌دهد ممکن است این روند صندوق رای را بی‌معنا کند. من معتقدم اگر حداقل‌های ممکن برای ما وجود داشته باشد نمی‌توانیم به کاندیدی بی‌تفاوت باشیم. اگر کسی باشد که مملکت را در همین وضعیت اما بدون جنگ نگه دارد، قائل به چانه‌زنی باشد و مدام نق بزند و برجام را حفظ کنیم تا کسی باشد که بگوید فردا از برجام خارج می‌شویم، بین این انتخاب تفاوت وجود دارد، حالا اسمش را کاندیدای نیابتی بگذاریم یا کاندیدای عاربتی و دست دوم و سوم، ممکن است توانیم وضعیتی را جور کنیم که پای صندوق هم برویم، اما مشکل اصلی جای دیگری است.

● مشکل اصلی کجاست؟

مشکل اصلی ما در انتخابات، قهر مردم است. اصلاح‌طلبان هرچه بخواهند مردم را به انتخابات تشویق کنند خیلی اثری ندارد چون مردم می‌گویند شما چه قدرت و اختیاری دارید؟

بهترین آدم را رئیس رئیس‌جمهور می‌تواند کنید، این رئیس‌جمهور می‌تواند برنامه‌ریزی را اجرایی کند؟ اگر رئیس‌جمهوری گفت می‌خواهم برجام را به هر قیمتی حفظ کنم، می‌خواهم حقوق مدنی و شهروندی را حفظ کنم، با خلاف قانون ما برخورد کنم و به او هم رای دادیم و آمد، چقدر توان اجرای این وعده‌ها را دارد؟ اگر می‌خواهیم انتخابات پرشور داشته باشیم، حتی

اگر با کاندیدای دست دوم و سوم هم بیایم، اما حاکمیت بگوید هرکس آمد رئیس‌جمهور شود، برنامه‌ای که به مردم داد تصمیم می‌گم اجرا شود. شورای نگهبان تأیید صلاحیت می‌کند یعنی این آدم صلاحیت دارد، این فرد برنامه‌اش را در سیاست داخلی و خارجی، در امور مختلف ارائه می‌کند، به‌ او بگویند ما تصمیم می‌کنیم برنامه اجرا شود، خواهید دید یکی از پرشورترین انتخابات‌ها را خواهید داشت. نظام می‌شود مردم امیدوار می‌شوند و بسیاری از مشکلات داخلی و خارجی ما حل خواهد شد. هر وقت هم انتخابات پرشور-هرچند متأسفانه یا خوشبختانه کاندیدای آنها در نیامد. این تجربه را هم دارند. یعنی الان تجربه می‌گوید اگر بیش از ۵۵ درصد مردم در انتخابات شرکت کنند قطعا کاندیدای آنها انتخاب نخواهد شد. اصلاح‌طلبان تمام تلاش‌شان را دارند که حداقل‌های معیارهای استاندارد داخلی و خارجی ما حل خواهد شد. هر جمع یکمی، جمعی بکنند، حاضر باشد که با اینکه انتخاب شد به پشتوانه‌های مردمی و جریان سیاسی خودش پشت نکند، شجاعت لازم در بیان حرف و ایده‌های خودش را داشته باشد، با مردم صحبت کند، مشکلات را بگوید و در عین حال بدون تنش از طریق تعامل و گفت‌وگو به‌درستی درون حکومت را حل کند. اگر بتوانند به این کاندیدا برسند به‌نظم اصلاح‌طلبان توان اجماع روی چنین فردی را دارند یعنی الان به مرحله‌ای رسیده‌اند که سهم‌خواهی نخواهند داشت و می‌توانند با کاندیدای واحد وارد عرصه انتخابات شوند. اما توان حل مشکل اصلی در اصلاح‌طلبان نیست که به مردم امید بدهند که انتخاب شما موجب عجز خواهد بود. مشکلی اصلی در انتخابات این دوره این است که مردم می‌گویند رای

سیاست

گفت‌وگو با محمدرضا خاتمی

اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند با معامله‌گری وارد قدرت شوند

من شرایط کشور را خیلی روشن می‌بینم

عکس: سیدنگار، شرق

ادامه از صفحه اول

سرمایه‌ای بودن تقاضای مسکن!

همین‌طور کاملاً نادیده بگیریم که یک میلیون و ۳۰۰ هزار واحد نسبت به ۲۲ میلیون و ۸۳۰ هزار واحد (که البته مربوط به پنج سال پیش است و الان بیشتر شده)، حدود پنج درصد است و بی‌کاری طبیعی محسوب می‌شود و البته اصلا نادیده بگیریم که این خانه‌های خالی کجا هستند و نیاز مردم کجاست و چقدر انطباق موقعیتی دارند! بنابراین تعداد واحدهای مسکونی و خانوارها را برابر در نظر بگیریم، ۳۰- بیابید حتی در نظر تکثیریم که سالانه حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار خانوار جدید به خانوارها اضافه می‌شود و اصلا در نظر تکثیریم که از سال ۱۳۹۵ به بعد، تعداد واحدهای مسکونی در پروانه‌های ساختمانی حدود ۲۰۰ هزار واحد در سال بوده است!

عکس: سیدنگار، شرق

۴- بیابید اصلا بی‌خیال بیش از ۲۰ میلیون نفر جمعیت یا بیش از شش میلیون خانواری باشیم که در اسکان غیررسمی ساکن هستند؛ که متأسفانه دائم در حال افزایش هستند و قاعدتا اصلا به شما چه که هستند!؟

۵- همان‌طورکه گفته شد، تعداد واحدهای مسکونی جدید در پروانه‌های مسکونی که اواخر دهه ۸۰ به بالای ۶۰۰ هزار واحد هم رسیده بود، الان به ۲۰۰ هزار واحد کاهش یافته است؛ یعنی رکود شدید در تولید داریم.

۶- تعداد معاملات مسکونی نیز از ۱۲ هزار واحد در ماه (برای تهران) به سه هزار واحد کاهش یافته است. برای کل کشور هم تقریبا به همین شکل است؛ یعنی رکود شدید خرید و فروش.

۷- می‌دانیم که عکس‌العمل عرضه مسکن به تحولات بازار با تأخیر است؛ یعنی حداقل دو سال طول می‌کشد که تولید جدید وارد بازار شود.

عکس: سیدنگار، شرق

۸- این را هم می‌دانیم که نزدیک ۵۰ درصد خانوارها مستاجر هستند و این نسبت در حال افزایش است. مستاجر هستند و این نسبت در حال افزایش است.

۹- می‌دانیم که قدرت خرید خانوارها به‌شدت کاهش یافته و آنها ناچار با به حاشیه‌ب‌شهرها و شهرهای اقماری و اسکان غیررسمی رانده شده‌اند یا چند خانوار در یک واحد ساکن شده‌اند!

۱۰- حلال‌فرض کنیم همین فردا تمام خانه‌های خالی به بازار عرضه شوند، تقاضای سرمایه‌ای‌ها کم نابود شود و همه دلالان هم به سزای اعمالشان برسند و حساب هم بترکد و اصلا قیمت‌خانه به نصف قیمت فعلی برسد! از اتفاقی خواهد افتاد؟

۱۱- با نصف‌شدن قیمت مسکن، تقاضاهای سرکوب‌شده به بازار برخواهد گشت! کسانی که به شهرهای اقماری رفته‌اند، کسانی که در اسکان غیررسمی هستند یا چند خانوار با هم زندگی می‌کنند، به بازار برمی‌گردند. تقاضا به‌شدت افزایش می‌یابد؛ که باعث افزایش مجدد قیمت در اثر افزایش تقاضا نشود؛ بنابراین مجددا قیمت‌ها شروع به افزایش خواهد کرد.

۱۲- برای اینکه این اتفاق نیفتد، در راه وجود دارد؛ راه اول این است که نگذاریم وضع مردم بهتر شود؛ یعنی همان‌طور‌که با کاهش ۵۰ درصدی قیمت، قدرت خرید مردم افزایش می‌یابد، تمام تلاش خود را بکنیم که رشد اقتصادی چنان منفی شود و سطح درآمد خانوارها کاهش یابد که حتی نتوانند نان بخرند، چه رسد به فکر بهبود کیفیت مسکن و تبدیل گورخوابی به آلونک‌خوابی؛ راه این کار هم این است که به‌شدت به مذاکرات برجامی حمله کنید و بکشید تحریم‌ها از آنچه هست، شدیدتر شود!

۱۴- راه دوم این است که دست دلالان را ببوسید که با تقاضای سفته‌بازی، نمی‌گذارند تنور تولید مسکن از این بیشتر خاموش شود و ترغیبشان کنید که بیشتر هم بخرند، بلکه اگر بهبود اقتصادی رخ نهد و رشد اقتصاد مثبت شد و حباب مسکن شما هم ترکیب و قیمت نصف شد، این کارفران از خدا بی‌خبر با ضرر ۵۰ درصدی مجبور شوند هرچه تقاضای سرمایه‌ای داشته‌اند، عرضه کنند و به این طریق جلوی افزایش بعدی قیمت را بگیرند و بشوند مصداق عدو شود سبب خیر.

رواداری و تنش‌زدایی

تغییر نگاه آمریکای تحت‌زاغمت‌باین درباره فلسطین، عربستان و منطقه فرصت مغتنمی برای ایران در تغییر فضای امنیتی و تقابل به فضای سیاسی و همکاری است. ترامپ به‌طور روشنی عربستان را به مقابله با ایران فرامی‌خواند و کرافه نیست چنانچه گفته شود بخش عظیمی از هتاکي و سیاست‌های تهاجمی شاهزاده جوان و جویای نام عربستان در سایه امیدواری به تقابل آمریکا با ایران اتخاذ می‌شد. افلاطون گفته است «در دنیا دو نیرو وجود دارد: دشمنی و تدبیر. بیشتر اوقات دشمنی مغلوب تدبیر شده است». تفاوت چین پس از انقلاب ۱۹۴۹ که کشوری فقیر و محقور همسایه کوچک خود زاین بود، با چین امروز که به دومین قدرتمند اقتصادی دنیا تبدیل شده، در برتو سیاست‌های برنامه‌ای بود که چون لای، نخست‌وزیر فهیم مانو، سنگ بنای آن را گذاشت و دنگ شیائوپنگ به عنوان شاگرد وی آن را دنبال کرد. معروف است که چون لای در تمام حرکات و سکنات سیاسی و دیپلماتیک در اصل «سنتی شدن رشد اقتصاد» پذیرفت در آن ره نظردار و هرگز از آن عدول نکرد. او اعتقاد داشت دستیابی به این دو مهم در برتو روابط صلح‌آمیز با جهان و استفاده از محیط بین‌المللی امکان‌پذیر است و در همین راستا در پی به‌حداقل‌رساندن تضادهای خارجی حتی با دشمنان اصلی خود (شوروی و آمریکا) بود.

ادامه در صفحه ۳

ادامه در صفحه ۳